دو معنا در «تصریف»

دو معنای «تصریف» را ذکر کنم؛ «تصریف» از حالی به حالی رفتن بود ای اینکه «تصریف» در تنوع یک چیز بود. «نصرّف الآیات»، به این معنا نیست که یک آیه را از حالی به حالی میبریم. بلکه یعنی آیات جور و واجور برای شما میآوریم. تصریف بهمعنای تنوع و گوناگونی میشود. هنوز «تصریف ذوات» بهمعنای ذوات گوناگون نشدهایم. فعلاً «تصریف الذوات» یعنی ذوات کل واحد واحدٍمن الاشیاء را «یصرّف». یعنی نمیتواند باقی باشد. هر لحظهای یک ذاتی را از این حال به حال دیگری میبرد. خُب، بنابراین استدلال واضح میشود. حضرت علیه السلام میفرمایند ذاتی که آلآن محتاج و فقیر است و در آن بعدی باید خودش او را موجود کند؛ آن ذات را از این حال به حال دیگری تصریف میکند، خُب، این ذات میخواهد برگردد و خدای محیط ثابت را درک کند! این نمیشود. «ممتنع عن الادراک». چرا؟؛ «بما ابتدع من تصریف الذوات»؛ ذوات را به این صورت آفریده که متصرف هستند و از حالی به حالی میروند و لذا ذاتی که دوام ندارد، ثبات ندارد و علم و ادراک متفرع بر ثبات است. وقتی ثبات ندارد، ادراک ندارد؛ «ممتنع عن الادراک بما ابتدع من تصریف الذوات».

بازبینی #1
ایجاد شده 22 ژوئیه 2024 16:15:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئیه 2024 16:19:12 توسط ... .